

قانون تجارت

ماده ۲۹ صدور سهام را (اعم از بی اسم یا با اسم) یا تصدیق موقتی آنها را موکول به تشکیل شرکت کرده و هر آینه قبل از تشکیل شرکت سهامی صادر یا تصدیق موقتی به کسی داده شده باشد صادر کنندگان متضامنا مسئول خساراتی هستند که بدارندگان این قبیل اوراق وارد شده است و تا زمانیکه پنجاه درصد قیمت اسمی سهام تادیه نشده باشد نمیتوان سهام بی اسم یا تصدیق موقتی بی اسم انتشار داد .

طبق ماده ۳۴ روی اوراق سهامی که قیمت آنها گاهلا پرداخته نشده است باید آن مقدار از قیمت که پرداخته شده قید شود و میزان سرمایه شرکت یا آن قسمتی که پرداخته شده نیز باید در تمام نوشتهجات و شریات شرکت قید گردد .

تبدیل سهام

اغلب برای حفظ منافع شرکت میتوان سهام با اسم و سهام بی اسم شرکت را به یکدیگر تبدیل نمود مشروط بر این که اساسنامه شرکت تبدیل مزبور را جایز بداند .

بطور کلی در مواردیکه تمام قیمت اسمی سهام با اسم تادیه شده از نقطه نظر تسهیل نقل و انتقال سهام مزبور به سهام بی اسم تبدیل میشود و برخی اوقات از لحاظ مصالح شرکت برای اینکه از هویت دارندگان سهام اطلاعی بدست آید سهام بی اسم شرکت به سهام با اسم تبدیل می شود .

طبق ماده ۸۱ قانون تجارت تصدیق موقتی را که باشخاص داده میشود میتوان به سهام تبدیل نمود .

این نکته را باید همیشه در نظر داشت که فقط تبدیل سهام با اسم و بی اسم به یکدیگر و تبدیل تصدیق موقتی به سهام امکان پذیر است و سایر سهام از قبیل سهام ممتاز

شرکت اصطلاحی ندارد و هر آینه در عرض سال منافی عاید شرکت نگردد مبلغی که باید بدارندگان سهام ممتاز پرداخته شود جزء تمهیدات شرکت بحساب سال بعد منتقل میگردد ایجاد سهام ممتاز ماده ۳۴ قانون تجارت است .
سهام مؤسسين - اغلب در ازاء خدمات هیئت موسسه شرکتی سهامی بانها داده می شود موسوم به سهام مؤسسين که منافع سالانه معین بانها تعلق نمیگیرد و دارندگان سهام مزبور نسبت به سرمایه شرکت حقی نداشته و در مجامع شرکت نیز نمیتوانند وارد شوند .

باید دانست که سهام مؤسسين غیر قابل انتقال بوده و این گاه باید روی اوراق سهام مزبور قید گردد .
قیمت کلیه سهام و همچنین قطعات آنها (در صورت تجزیه) متساوی خواهد بود .

منظور از قطعات سهام در ماده ۲۷ قسمت هائی است که از تجزیه یک سهم واحدی بعمل می آید مثلا اگر یک سهم هزار ریالی داشته باشیم میتوانیم آن را بده یا بیست قسمت متساوی تقسیم کنیم و هر قسمت آن عبارت از یک قطعه از سهم هزار ریالی خواهد بود تجزیه سهم فقط از طرف شرکت امکان پذیر است .

در قطعات سهام امرات فرعی آنها و همچنین نمره اصلی سهمی که قطعات مزبوره از آن مجزئ گردیده باید قید گردد .

ماده ۲۸ تقسیم سرمایه شرکت را به سهام در موارد خاصی محدود ساخته است باین طریق که اگر سرمایه شرکتهای سهامی از دو بیست هزار ریال تجاوز نکند سهام یا قطعات سهام نباید کمتر از پنجاه ریال باشد و هر گاه سرمایه زائد بر دو بیست هزار ریال باشد سهام و قطعات سهام کمتر از یکصد ریال نخواهد بود .

و سهام مؤسسون قابل تبدیل به سهام معمولی و بالعکس نمی باشد - تبدیل سهام بی اسم با اجازه ماده ۷۶ قانون تجارت است که شرکت را موظف میدارد در صورت اتخاذ چنین تصمیمی که بموجب مقررات اساسنامه بعمل آمده باشد اعلانی در این موضوع منتشر کرده و مهلتی که کمتر از شش ماه نباشد به صاحبان سهام بدهد تا در ظرف مهلت مزبور سهام خود را به سهام جدید تبدیل نمایند و اعلان مزبور باید در مجله رسمی و در یکی از جراید کثیر - الاقتدار مرکز اصلی شرکت دو دفعه و بفاصله ده روز منتشر شود .

در صورتیکه مرکز اصلی شرکت در خارج از طهران باشد باید در یکی از روز نامه های یومیه طهران که همه ساله از طرف وزارت عدلیه برای انتشار این قبیل اعلانات معین میشود منتشر گردد .

ابتداء مهلت از تاریخ انتشار اعلان در مجله رسمی خواهد بود و هرگاه دارندگان سهام در فرجه که معین شده سهام خود را به سهام جدید تبدیل نمایند دیگر حق تقاضای تبدیل نداشته و شرکت سهام جدید را که در حقیقت متعلق به آنها می باشد بمزایده گذارده و قیمت آن را برای صاحبان سهام تبدیل نشده در بانک و ودیعه می گذارد و ودیعه مزبور تابع مقررات مرور زمان است و پس از انقضاء مدت ده سال در حکم اموال بلاصاحب خواهد بود .

با در نظر گرفتن کلیه مطالبی که راجع به سهام ذکر شده میتوان سهم شرکت سهامی را باین عبارت تعریف نمود که سهم مزبور عبارت از حق دریافت قسمت متناسبی از منافع و در صورت انحلال از سرمایه شرکت است .

حدود مسئولیت صاحبان سهام .

در شرکت سهامی صاحبان سهام بمیزان قیمت اسمی سهام خود در مقابل شرکت یا طلبکاران شرکت مزبور مسئول میباشند .

یعنی اگر شخصی مقادیرده سهم صد ریالی از شرکت سهامی خریداری نماید هرگاه مبلغ هزار ریال یعنی تمام

قیمت اسمی سهام را پرداخته باشد دیگر هیچگونه مسئولیتی در مقابل شرکت و در مقابل طلبکاران نخواهد داشت ولی اگر فقط مبلغ پانصد ریال از بابت قیمت اسمی سهام مزبور پرداخته باشد مبلغ پانصد ریال دیگر بقره قیمت سهام را بشرکت مدیون و موظف است در رأس موعد مبلغ مزبور را بشرکت کارسازی نماید و هرگاه از پرداخت آن خودداری کند بااستناد ماده ۳۲ قانون تجارت به پرداخت وجه تعهد شده و خسارت تأخیر تأدیه از قرار صدی درازده در سال نسبت بمدت تأخیر محکوم خواهد شد . مگر اینکه پس از تأدیه پنجاه درصد قیمت اسمی سهام خود آنها را با تجویز اساسنامه بغیر انتقال داده باشد و منتقل الیه نیز پرداخت بقیه را تعهد کرده باشد .

بااستفاده از ماده ۳۳ قانون تجارت اساسنامه شرکت میتواند نسبت باشخاصی که تعهدات سهامی خود را انجام نداده اند ترتیب دیگری اتخاذ نموده حتی با مراعات شرایط خاصی از قبیل مطالبه کتبی و انقضاء مدت يك ماه از تاریخ آخرین مکتوب مقدار تأدیه شده از بابت سهام را بلاعوض بمتصاحب شرکت در آورد بهبارالآخری حق دارندگان سهام را نسبت بمبلغ پرداختی از بابت سهام مزبور ساقط نماید .

نکته مهمی را که ماده ۳۳ قانون تجارت ایران دربر دارد آن است که شرکت سهامی میتواند بطریقی که در فوق ذکر شد دارنده سهام خود گردد .

در اینجا باید متذکر بود که اصل کلی آن است که شرکت سهامی نمیتواند دارنده سهام خود باشد زیرا اقدام بهرگونه تملیک و تصاحب سهام از ناحیه خود شرکت متضمن تقلیل سرمایه شرکت خواهد بود و چون تقلیل سرمایه بضرر طلبکاران شرکت است برخلاف قانون خواهد بود و چنین امری را هیچ شرکت سهامی نمیتواند مرتکب شود مگر آنکه اساسنامه شرکت آنها تجویز نموده و قبلا راجع بتقلیل سرمایه در مجمع عمومی شرکت اتخاذ تصمیم شده باشد . مورد مذکور در ماده ۳۳ از موارد استثنائی است که قانون تجویز نموده است .

و حدود اختیارات شرکت و حدود مسئولیت شرکت که برای امور شرکت لازم است توافق نظر حاصل نموده نکات مزبور را بطور مبسوط در ورقه موسوم بشرکتنامه تحریر و امضاء مینمایند.

در نقاطی که دایره ثبت اسناد موجود است ورقه مزبور باید مانند اسناد رسمی تنظیم گردد. زیرا نظامنامه قانون تجارت وزارت عدلیه در ماده ۱ مقرر میدارد که در هر مجلسی که ادارم ثبت اسناد و یا دفتر اسناد رسمی موجود است شرکت های تجاری که در آن محل تشکیل میشود باید بموجب شرکت نامه رسمی تشکیل گردد.

بنا بر این تغییر و جرح و تعدیل در شرکت نامه بوسیله مجمع عمومی امکان پذیر نخواهد بود مگر آنکه کلیه دارندگان سهام شرکت مزبور در مجمع مزبور حضور داشته متفقاً رای داده و تراضی نمایند و چون حضور کلیه دارندگان سهام تقریباً از مقتضات است این عمل باید قاعداً بتوسط محاکم صالحه انجام گیرد ولی در ایران هنوز بچنین اشکالی برخوردیم که تصمیم قضائی روی آن اتخاذ شود و قانون تجارت هم راجع به این موضوع ساکت است.

از مفاد مواد ۳۸ و ۳۹ و ۴۱ قانون تجارت چنین استفاده می شود که تشکیل شرکت سهامی محقق نمیشود مگر بعد از اینکه تادیه تمام سرمایه شرکت تمهید شده باشد.

بلاوه هرگاه سهام یا قطعات آن زائد بر پنجاه ریال نباشد تمهید کنندگان باید تمام وجه را تادیه نمایند و الا باید لااقل نلت قیمت سهام را نقداً بپردازند و وجهی که پرداخته میشود نباید کمتر از پنجاه ریال باشد و ضمناً چیزی که در ازاء سهام غیر نقدی تمهید شده باید تماماً تحویل شده باشد و تقویم سهم غیر نقدی انجام گرفته و با اکثریت دو نلت از تمهید کنندگان حاضر در مجمع عمومی بتصویب رسیده باشد.

سهامی را که شرکت با استناد ماده ۳۳ ضبط نموده میتواند برای آنکه تغییری در سرمایه شرکت حاصل نشود مجدداً بامنظور داشتن تخفیفی نسردهد ولی تخفیف مزبور نباید باندازه باشد که در مقدار باقی مانده یا تادیه نشده سهام تقلیلی ایجاد کند.

در اینجا تذکر این نکته نیز بيمورد نخواهد بود که اگر قیمت اسمی عدم از سهام شرکتی کاملاً تادیه شده باشد و دارنده سهام مزبور بخواهد آنها را بلاعوض بخرد شرکت و اگذار کند (مثلاً بشرکت هبه نماید) مائمی ندارد زیرا در چنین امری باث تقلیلی در سرمایه شرکت نخواهد شد.

تشکیل شرکت

مطابق ماده ۳۶ قانون تجارت شرکت سهامی بموجب شرکت نامه که در دو نسخه نوشته شده تشکیل می شود.

یکی از نسخین بطوریکه در ماده ۵۰ مقرر است ضمیمه اظهارنامه مدیر شرکت و دیگری در مرکز اصلی شرکت بایگانی خواهد شد.

گرچه قانون تجارت ایران شرکت نامه را تعریف ننموده و از بیان نکاتی که باید در آن تصریح شود خودداری کرده است ولی بطور کلی شرکت نامه همان تمهید نامه است که بین شرکاء تنظیم میشود و غالباً نکات ذیل در آن قید میگردد:

- ۱- اسم شرکت.
- ۲- محل اقامت شرکت.
- ۳- موضوع و مرام شرکت و حدود اختیارات آن.
- ۴- حدود مسئولیت شرکاء.
- ۵- سرمایه شرکت.

پس بنا بر این برای تشکیل شرکت سهامی اشخاص علاقمند مقدماً راجع باسم و محل اقامت و مرام

اساسنامه شرکت

- ۱- اساسنامه برای اداره کردن و تنظیم امور داخلی شرکت سهامی تهیه میشود.
- بنابماده ۳۷ شرکت سهامی باید دارای اساسنامه باشد که نکات ذیل مخصوصاً در آن تصریح شود:
 - ۱- اسم و مرکز اصلی شرکت.
 - ۲- موضوع شرکت.
 - ۳- مدت شرکت در صورتیکه شرکت برای مدت معین تشکیل شود.
 - ۴- مقدار سرمایه شرکت و مقدار قیمت سهام.
 - ۵- نوع سهام - (که سهام با اسم است و یا بی اسم) عده هر نوع از سهام و تعیین اینکه سهام با اسم و بی اسم بجه شکل ممکن است بهم تبدیل شود و در صورتیکه این تبدیل اساساً پذیرفته شده باشد.
 - ۶- هیئت های اداره و بازرسی.
 - ۷- عده سهامی را که مدیران شرکت باید بحدودق شرکت بپردازند.
 - ۸- مقررات راجع بدعوت مجمع عمومی و حق رأی صاحبان سهام و طریقه شور و اخذ رأی.
 - ۹- مطالبیکه برای قطع آن در مجمع عمومی اکثریت مخصوص لازم است.
 - ۱۰- طرز ترتیب صورت حساب سالانه و رسیدگی بان و همچنین اصولی که برای حساب منافع و تقسیم آن باید رعایت شود.
 - ۱۱- طریقی تغییر اساسنامه.
- ذکر نکات مشروحه فوق در اساسنامه الزامی است و ضمناً باید تصور شود که نکات دیگری را نمیتوان در اساسنامه گنجانید بلکه هر نکته را که شرکاء برای انتظامات داخلی شرکت مفید بدانند میتوانند در اساسنامه قید کنند و اغلب دیده شده است که اساسنامه شرکت علاوه بر نکات مزبوره نکات ذیل را نیز در بردارد:
 - ۱- طرز مطالبه اقسام سهام.

- ۲- طرز انتخاب مدیران و مدت خدمت آنها.
- ۳- حدود اختیارات مدیران و مواردیکه مدیران فاقد صلاحیت میشوند.
- ۴- موارد تشکیل مجامع فوق العاده.
- پس از آنکه هیئت مؤسسه شرکت نامه و اساسنامه شرکت سهامی را تنظیم و نوشته ای که حاکی از تعهد پرداخت سرمایه شرکت و تأدیبه واقعی نلت سرمایه نقدی است تهیه کرد مجمع عمومی شرکت را دعوت مینماید و مجمع مزبور که اولین مجمع عمومی شرکت است مدیران شرکت و همچنین بازرسان را که بموجب ماده ۶۲ مقرر است معین مینماید و ضمناً طبق ماده ۴۴ اظهار نامه که بدایره ثبت اسناد باید تسلیم شود بانضمام اسناد مربوطه که عبارت است از نوشته حاکی از اسمی شرکاء یا مقداری از سرمایه که پرداخته شده بایک نسخه از اساسنامه و یکی از نسختهین شرکت نامه به مجمع مزبور تقدیم تا مجمع صحت باسقم آنرا تعیین نماید.
- اولین مجمع عمومی باید از يك عده دارندگان سهام مرکب شود که لااقل نصف سرمایه شرکت را دارا باشند اگر در مجمع عمومی عده که نصف سرمایه را دارا باشند حاضر نشدند تصمیمات مجمع عمومی موقتی خواهد بود در این صورت مجمع عمومی جدیدی دعوت میشود و اگر پس از آنکه لااقل يك ماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی بفاصله هشت روز بوسیله یکی از جراید مجالی تصمیمات موقتی مجمع سابق اعلان و منتشر شد و مجمع جدید آنرا تصویب نمود تصمیمات مزبوره قطعی میشود مشروط بر اینکه در مجمع جدید عده حاضر شوند که لااقل نلت سرمایه شرکت را دارا باشند.
- مدیرانی که توسط اولین مجمع عمومی انتخاب می گردند منتهی برای مدت چهار سال معین می شوند و بعد از انقضای مدت مزبور میتوان آنها را مجدداً انتخاب نمود مگر آنکه اساسنامه شرکت غیر از این مقرر داشته باشد ولی مقتضین شرکت فقط برای سال اول معین میشوند.